

پیامبر فدا ملی الله علیه و آله

لیس الْبَرُّ حَسْنُ الرَّأْيِ، وَلِكُنَّ الْبَرُّ فِي السَّكِينَةِ وَالْوَقَارِ
 نیکی در آراستگی ظاهر نیست؛ بلکه در آرامش و وقار است.
جامع الأحاديث المتفق: ۷۸ ص ۵

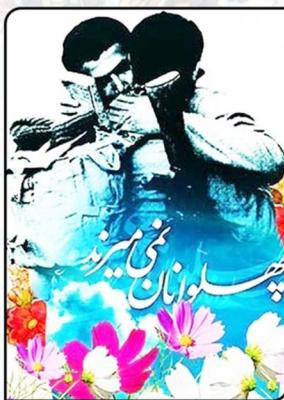


کلک

بسیج یک حرکت اجتماعی است که در هر جامعه‌ای با توجه به فرهنگ آن جامعه و به اشکال مختلفی در اثر شرایط خاص بوجود می‌آید. حتی در دوران صدر اسلام نیز به هنگام حمله کفار و منافقین علیه مسلمانان زمانی که فرمان تشکیل نیروی مبارز علیه آنها داده می‌شود مسلمانان داوطلبانه در مساجد گردش می‌آمدند تا توان خود را از نظر نیروی انسانی و تجهیزات نظامی برای مقابله با دشمنان اسلام بسیج کنند.

امام خمینی (ره) در این رابطه چنین می‌فرمایند:

«قضیه بسیج، همان مساله‌ای است که در صدر اسلام بوده است این مساله جدید نیست، در اسلام سابقه داشته است و چون مقصد ما اسلام است، باید هر جوانی یک نیروی باشد برای دفاع از اسلام و همه مردم و هر کسی در هر شغلی که هست مهیا باشد برای جلوگیری از کفر و هجوم بیگانگان». (پرتو خورشید، مرکز مطالعات در طول تاریخ اسلام و ایران همواره دشمنان سعی کرده اند به اشکال مختلف از پیشرفت و ترقی مسلمانان جلوگیری کنند. انقلاب اسلامی ایران که الهام گرفته از اسلام ناب محمدی (ص) بوده از نخستین روزهای پیروزی با توطئه‌های گسترده و سازمان یافته دشمنان اسلام روبرو گردید. عظمت اهداف انقلاب و گستردگی توطئه‌های دشمنان، ایجاب می‌کرد که برای حفظ و صیانت از انقلاب اسلامی و ارزشها و اهداف آن در برابر شبیخون ابرقدرتها دفاع کنند بنابراین بعد از پیروزی انقلاب اسلامی را درون اقشار میلیونی به طور خودجوش، حرکتی در جهت حفظ و حراست دست آوردهای انقلاب و پیروزی بزرگی که نصیب امت اسلامی شده بود، بوجود آمد.



بزرگی...

پسر ۱۰ ساله‌ای وارد کافی شاپ شد و پشت میز نشست. خدمتکار برای سفارش گرفتن به سراغش رفت.

پسر پرسید: بستنی شکلاتی چند است؟

خدمتکار گفت ۵۰ سنت. پسر ک پول خردهایش را شمرد، بعد پرسید بستنی معمولی چند است؟ خدمتکار با توجه به اینکه تمامی میزها پرشده بود و عده ای نیز بیرون کافی شاپ منتظر بودند، پایی حوصلگی گفت: ۳۵ سنت. پسر ک همان بستنی معمولی را سفارش داد. خدمتکار بستنی را آورد و صورت حساب را به پسر ک داد و رفت!.. پسر ک بستنی اش را تمام کرد، صورت حساب را به صندوق پرداخت کرد و رفت... هنگامی که خدمتکار برای تمیز کردن میز رفت گریه اش گرفت!.. پسر بچه روی میز کنار بشقاب خالی ۱۵ سنت انعام گذاشته بود؛ در صورتی که می‌توانست بستنی شکلاتی بخرد.

شکسپیر چه زیبا می‌گوید:

بعضی بزرگ زاده می‌شوند،

برخی بزرگی را به دست می‌آورند،

و بعضی بزرگی را بدون اینکه بخواهند با خود دارند!..

جویباره‌دایت...

مراقب افکارت باش که گفتارت می‌شود

مراقب گفتارت باش که رفتارت می‌شود

مراقب رفتارت باش که عادت می‌شود

مراقب عادت باش که شخصیت می‌شود

مراقب شخصیت باش که سرنوشت می‌شود

حديث امام علی (ع)

صحابه رسول خدا در عاشورا...

بد نیست بدانید در میان یاران امام حسین (ع)، پنج نفر از اصحاب پیامبر (ص) شرکت داشتند که در جریان نهضت عاشورا به شهادت رسیدند. این پنج نفر؛ انس بن حرث، هانی بن عروه، مسلم بن عوججه، حبیب بن مظاہر و عبد الله بن یقطر می‌باشند.

شمادینتان را فروختید...

بانوی باحجابی داشت در یکی از سوپرمارکتها زنجیرهای در فرانسه خرید می‌کرد؛ خریدش که تمام شد برای پرداخت رفت پشت صندوق. صندوق دار زنی بی حجاب و اصلتاً عرب بود. صندوق دار نگاهی از روی تماسخ به او انداخت و همینطور که داشت بارکد اجناس را می‌گرفت اجناس او را با حالتی متکبرانه به گوش میز می‌انداخت. اما خواهر باحجاب ما که روینده بر چهره داشت خونسرد بود و چیزی نمی‌گفت و این باعث می‌شد صندوقدار بیشتر عصبانی شود. بالاخره صندوق دار طاقت نیاورد و گفت: «ما اینجا توی فرانسه خودمون هزار تا مشکل و بحران داریم و این نقابی که تو روی صورت داری یکی از همین مشکلاته که عاملش تو و امثال تو هستید! ما اینجا او مدیم برای زندگی و کار نه برای به نمایش گذاشتن دین و تاریخ! اگه می‌خوای دینت رو نمایش بدی یا روینده به صورت بزنی برو به کشور خودت و هر جور می‌خوای زندگی کن!» خانم محجبه اجناسی رو که خریده بود توی نایلون گذاشت، نگاهی به صندوق دار کرد... روینده را از چهره برداشت و در پاسخ خانم صندوق دار که از دیدن چهره ای اروپایی و چشمان زنگین او جا خورده بود گفت:

«من جد اند جد فرانسوی هستم...
 این دین من است و اینجا وطنم...
 شما دینتان را فروختید و ما خریدیم!»



بعد از این که اهل کوفه هزاران نامه برای امام حسین علیه السلام نوشتند که به کوفه بیاید در مسیر راه از مکه به کوفه، اخبار زیادی به امام رسید به ویژه از بی وفایی مردم کوفه و شهادت نایب خاچ مسلم بن عقیل. مردی از کوفه پس از اعمال حج می‌گوید: در مسیر رفتن به کوفه، به چند خیمه برخورد کرد و سؤال کردم: این خیمه‌ها متعلق به کیست؟ گفتند: حسین بن علی علیه السلام با اشتیاق به خیمه اختصاصی امام رفت و عرض کرد: پدر و مادرم فدای تو باد، ای فرزند دختر پیامبر! چه انگیزه‌ای تو را به این بیابان بی آب و علف کشانده است؟

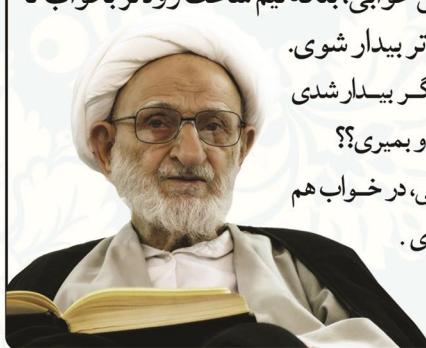


امام فرمود: از طرفی بنی امیه مرا نهید و از طرفی مردم کوفه مرا دعوت کردند و این نامه‌های اینان است؛ ولی همین مردم کوفه مرا به قتل خواهند رساند و چون دست به این جنایت بزنند، خداوند کسی را بر آن‌ها مسلط خواهد کرد که آن‌ها را به قتل برساند و خوار و ذلیل شان کند. تحقیق ذلت مردم کوفه، بعد از قتل امام به ظهور پیوست. پس از جریان عاشوراء، عده‌ای به عنوان توایین قیام کردند و درگیری و کشتار بسیار شد. بعد از آن مختار قیام کرد؛ ولی بدترین دوران، تاریخ بیست ساله‌ای بود که حاجاج بن یوسف ثقی فرمانروای خون خوار، آن قدر آن‌ها را تحت فشار قرار داد و آدم کشت و زندانی‌ها را شکنجه داد که مصدق خواری و ذلتی که امام فرموده بود، به ظهور پیوست. تعداد افرادی که در این مدت به دست

او کشته شدند، به صد و بیست هزار نفر رسید وقتی حاجاج مرد، پنجاه هزار نفر مرد و سی هزار زن در زندانش بودند. نقل کرده‌اند: روزی او دستور داد همه‌ی مردم کوفه، برای جنگ به بصره بروند و هر کس که نرفت، او را گردان زندن. پیر مردی گفت: ای امیر! من پیر و ضعیف هستم، آیا فرزند جوانم به جای من به جنگ برود؟ حاجاج دستور داد سر او را از بدنش جدا کردند. مردم کوفه وقتی این صحنه را دیدند، از ترس چنان شتاب می‌کردند که از بالای پل چندین نفر به درون فرات افتادند و غرق شدند.

بهجت عارفانه

در تعبدات کوه کنند از ما نخواسته‌اند، سخت ترینش
نماز شب خواندن است که در حقیقت تغییر وقت خواب
است نه اصل بی خوابی، بلکه نیم ساعت زودتر بخواب تا
نیم ساعت زودتر بیدار شوی.
آیا می‌ترسی اگر بیدارشی
دیگر خوبلت نبرد و بمیری؟؟
اگر خواب بمانی، در خواب هم
ممکن است بمیری.



پندار ما این است که ما مانده‌ایم
و شهدا رفته‌اند اما حقیقت آن
است که زمان ما را با خود برد
است و شهدا مانده‌اند . . .

سید رضا آزادی المقدم



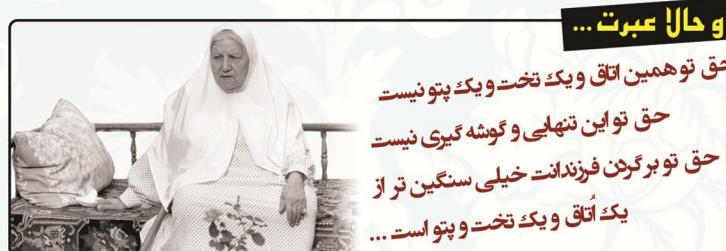
شربت علم ...

مردی از انصار نزد رسول اکرم (ص) آمد و سوال کرد: اگر جنازه شخصی در میان است و باید تشییع و سپس دفن شود و مجلس علمی هم هست که از شرکت در آن بهره مند می‌شویم وقت و فرست هم نیست که هر دو جا شرکت کنیم، چرا که اگر در هر کدام این دو کار شرکت کنیم از دیگری محروم می‌مانیم تو کدامیک از این دو راه را دوست می‌داری؟ رسول اکرم (ص) فرمودند: اگر افراد دیگری هستند که همراه با جنازه بروند و آن را دفن کنند در مجلس علم شرکت کن. همانا شرکت در یک مجلس علم از حضور در هزار تشییع جنازه و از هزار عیادت بیمار و از هزار شب عبادت و از هزار روزه و هزار حج غیر واجب و هزار جهاد غیر واجب بهتر است. این‌ها کجا و حضور در محضر عالم کجا؟ مگر نمیدانی به وسیله‌ی علم است که خدا اطاعت می‌شود و به وسیله‌ی علم است که عبادت خدا صورت می‌گیرد.

دانستان راستان، دانستان ۱۱۷ به نقل از بخار الانوار، ج ۱، ص ۲۰۴

و در پایان ...

منتظر انتقالات و پیشنهادات شما هستیم.
تیم اجرایی این شماره:
محمد داوری ، امیر داوری
مؤسسه گیتی پرداز: جوادجوکار



حق توهین اتفاق و یک تخت و یک پتو نیست
حق تو این تنهایی و گوشه گیری نیست
حق تو برگزین فرزندان خیلی سنگین تراز
یک اتفاق و یک تخت و پتو است ...

سلمان فارسی از بازار آهنگران کوفه عبور می‌کرد دید مردم دور جوانی را گرفته‌اند که آن جوان بیهوش روی زمین قرار گرفته است و قتی که مردم سلمان را دیدند از محضر ایشان درخواست کردند که دعایی بخوانند تا جوان از حالت بیهوشی نجات یابد، سلمان و قتی که نزدیک جوان آمد، برخواست و گفت مرا کسالت و عارضه‌ای نیست.

وقتی از این بازار عبور می‌کردم و دیدم آهنگران چکش آهنین می‌زنند، یادم آمد که خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: برای اهل جهنم چکش‌هایی از آتش است تا این آیه به یاد آمد بی اختیار این حالت به من دست داد. حضرت سلمان به آن جوان علاقه‌مند شد و محبت او در دلش جا گرفت و با او پیوند برادری بست و پیوسته با او معاشرت می‌کرد.